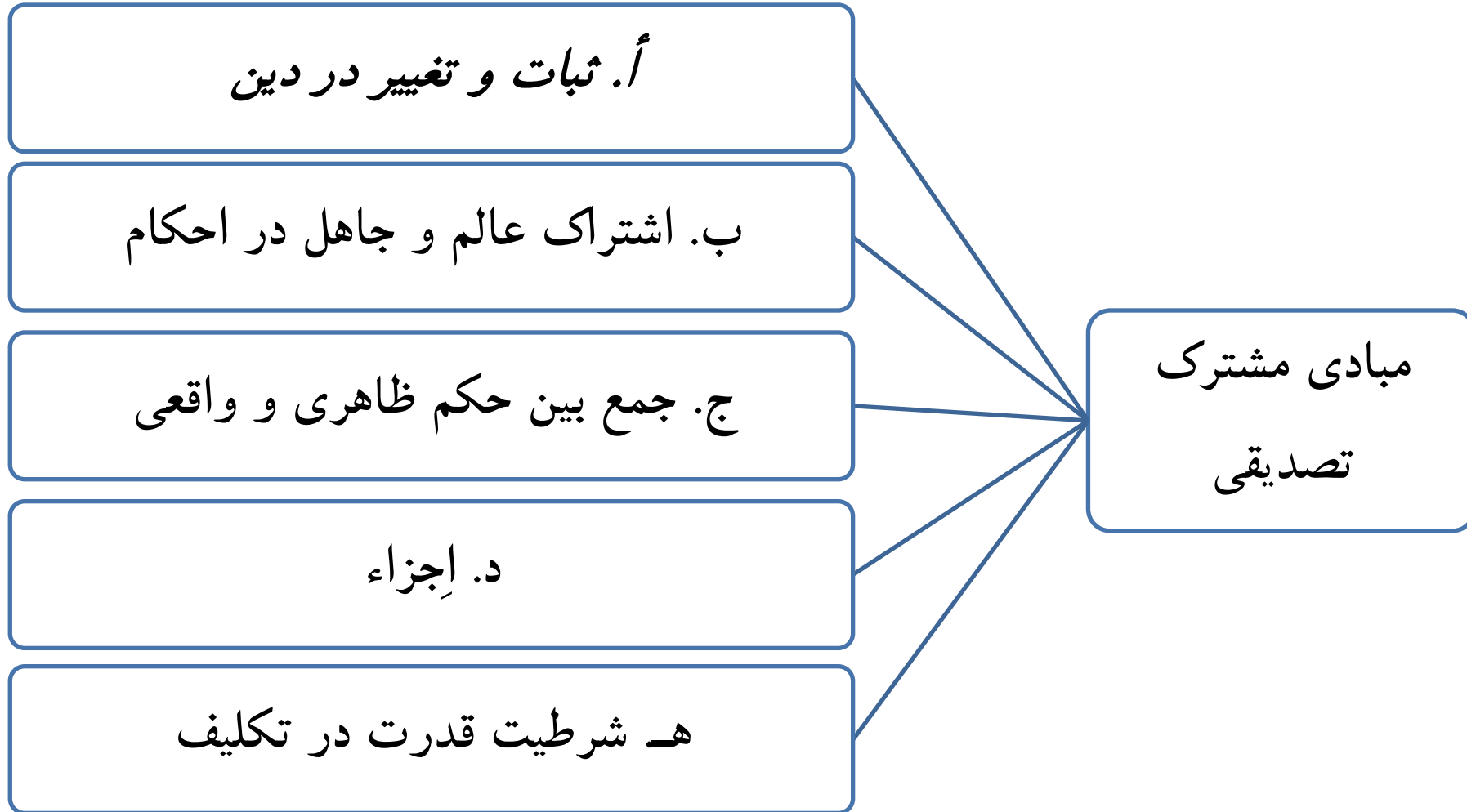


علم اصول الفقه

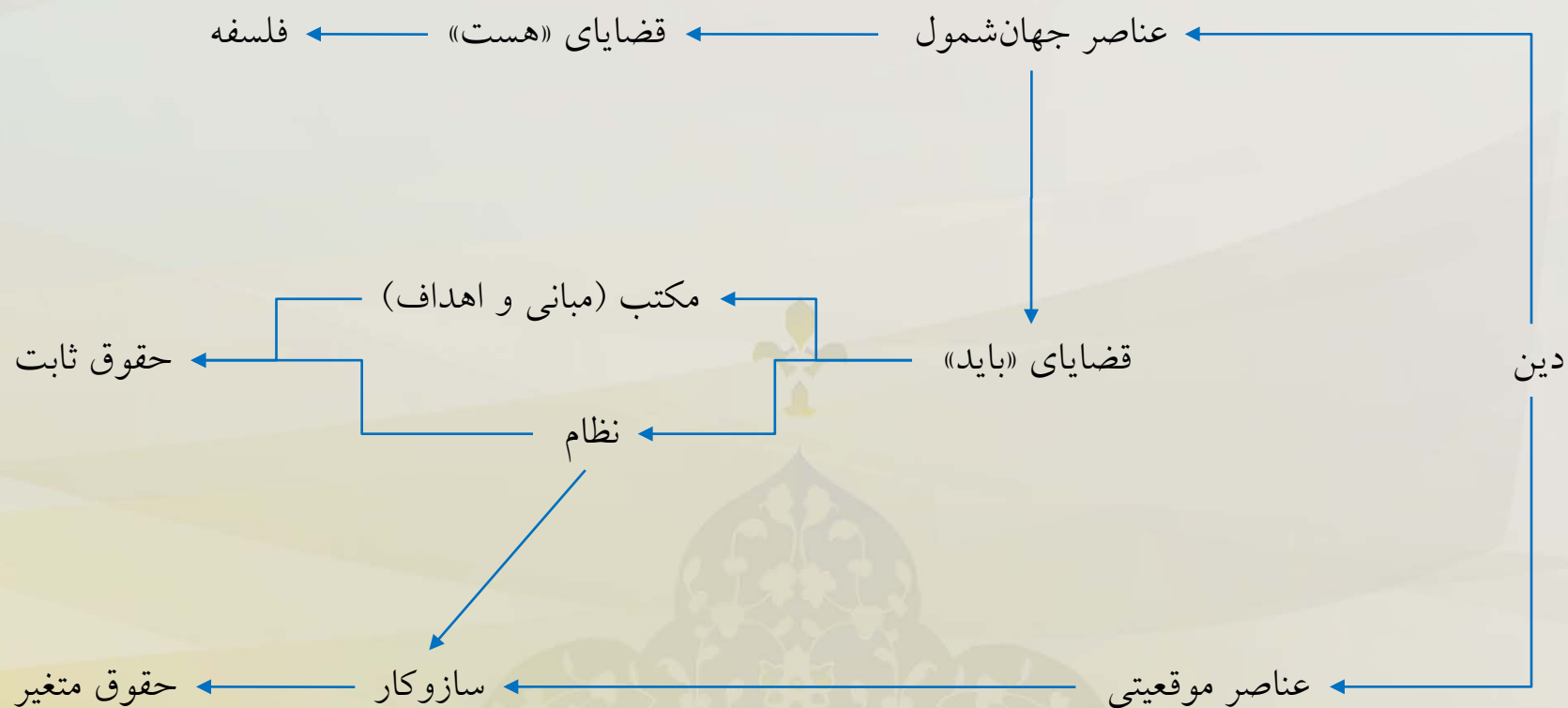
٨٦

٩٠-٢-٢٧ تعريف علم اصول فقه

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني



بنابراین، ما در هر ساحت از حیات بشر با چهار گروه از عناصر جهان شمول: فلسفه، مکتب، نظام و حقوق مواجه هستیم، که بین آنها ارتباط مستحکم و منطقی وجود دارد.



- در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بخش‌هایی مربوط به عناصر ثابت دینی است که هیچ ارتباطی به شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی ندارد و بخش‌هایی هم به شرایط خاص جمهوری اسلامی ایران یعنی زمان و مکان خاص ارتباط دارد. وجود یک فقیه در رأس امور از عناصر ثابت است، اما ساختار حکومتی که در شرایط فعلی برای ولی فقیه در نظر گرفته می‌شود، از عناصر متغیر می‌باشد.

- در قانون اساسی، رئیس جمهور با رأی مستقیم مردم انتخاب می شود و حکمش توسط رهبر تأیید می گردد. اما رئیس قوه قضائیه با نصب مستقیم رهبر منصوب می شود. نحوه انتخاب این دو از عناصر ثابت دینی نیست. اگر خلاف آن پیش بینی می شد و قانون نصب رئیس جمهور را از وظایف خاص رهبر می شمرد و تعیین رئیس قوه قضائیه را به رأی مردم واگذار می کرد، به لحاظ شرعی فرق نمی کرد، اما به لحاظ مصالح فرق داشت.

- مصلحت اقتضا می‌کند که رئیس قوه‌ی مجریه توسط مردم انتخاب شود و رئیس قوه‌ی قضائیه توسط رهبر. در آن سو، حمایت مردم در اجرا نقش به‌سزایی ایفا می‌کند و رأی مستقیم آنها به رئیس جمهور برای احساس حضور بیشتر، یک امر مثبت و یک مصلحت تلقی می‌شود و در این سو، حفظ استقلال قوه‌ی قضائیه و این که انتخاب رهبر در حفظ استقلال مؤثرتر است، یک امر مثبت و یک مصلحت به حساب می‌آید.

- در انتخاب نمایندگان مجلس توسط مردم و انتخاب رئیس مجلس توسط نمایندگان نیز همین گونه است. همه و همه‌ی اینها به علت شرایط خاصی است که در آن زندگی می‌کنیم. ممکن است در شرایط دیگر، شکل مؤثرتر و کارآمدتری، ما را به هدفمان نزدیک‌تر سازد.

- اصل اندیشه‌ی وجود عناصر ثابت و متغیر در یک زمان، در فقه ما تحت عنوان قوانین الهی و قوانین ولایی تبیین شده است. مراد فقها از احکام و قوانین الهی، احکام ثابت و مقصودشان از احکام و قوانین ولایی، عناصر و احکام متغیر بوده است. آنها به نحوی از انحاء در آثار خود به بحث ثابت و متغیر اشاره کرده‌اند اما مصطلحات جدید با تعابیری که ما هم در نظریه اندیشه‌ی مدون به کار گرفتیم (یعنی ثابت و متغیر)، در بحث‌های متأخر توسط افرادی چون شهید مطهری، شهید صدر و حضرت امام دیده می‌شود.

- بحث ثبات و تغییر در دین یک مبنای انسان شناختی نیز دارد که شهید مطهری به آن اشاره می‌کند. انسان یک بعد ثابتی دارد و یک بعد متغیر. احکام ثابت ناظر به بعد ثابت انسان و احکام متغیر ناظر به بعد متغیر انسان است. به عبارت دیگر نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون در اسلام بر این مبنای انسان شناختی استوار است.

- آنچه از بحث ثابت و متغیر در اینجا تحت عنوان مبادی مشترک تصدیقی بیان می‌کنیم، فقط برای اثبات وجود این دو عنصر در عناصر دینی و نحوه‌ی وجود آنها است. اما این که چگونه ثابت‌ها را از متغیرها تمییز می‌دهیم، نیاز به بحث دیگری دارد که در متدولوژی و روش‌شناسی به آن خواهیم پرداخت.

احکام و قوانین شرعی

- این قوانین اگر چه دانه دانه جزئی هستند، ولی به هم مرتبطند. یعنی ممکن است در یک نگاه ابتدایی، دانه‌هایی بی-ارتباط به هم به نظر آیند، اما کسی که این قوانین را وضع کرده، به ارتباط بین این دانه‌ها توجه داشته است. اگر با این دید به احکام و قوانین بنگریم، یعنی آنها را دانه‌هایی مرتبط به هم بدانیم، می‌توانیم ناهماهنگی‌های بین آنها را کشف کنیم و اشتباهات موجود در نقل‌ها را به دست آوریم.

احکام و قوانین شرعی

- از آنجا که مکتب و نظام ثابتند، قوانینی که از مکتب و نظام برخاسته، ثابت است. اما چون سازوکار، امری متغیر است، احکام و قوانینی که از سازوکار برمی خیزد، متغیر خواهد بود. به عبارت دیگر نظام و سازوکار، هر یک با خود احکام و قوانینی ایجاد می کنند. احکام و قوانین نظام به شرایط و موقعیت خاص ارتباط ندارد، از این رو ثابت و جهان شمول است، اما احکام و قوانین سازوکار به شرایط خاص مرتبط است، پس متغیر و موقعیتی خواهد بود.

تحقق نظام و سازوکار

- تحقق نظام و سازوکار اسلامی در خارج، وظیفه‌ی آحاد جامعه‌ی اسلامی است. همه‌ی افراد موظفند برای عینیت یافتن نظام در خارج تلاش کنند. ولی مدیریت این کار بر عهده‌ی دولت اسلامی است. دولت مسئولیت دارد به گونه‌ای عمل کند و مردم را جهت دهد که مکتب و نظام اسلامی در هر زمینه‌ای عینیت خارجی پیدا کند. اختیاراتی که در ولایت فقیه برای دولت اسلامی قایل می‌شویم، برای تأمین همین هدف (یعنی اعمال مدیریت کلان در سطح جامعه) است.

تحقق نظام و سازوکار

- در بخش احکام دولتی یا به تعبیر دیگر احکام ولایی که در فقه اسلامی یک مفهوم شناخته شده‌ای است و در اصطلاح همان چیزی است که دولت برای عینیت بخشیدن به مثلاً سازوکار اقتصادی خاص از آنها بهره می‌گیرد، برخی احکام و قوانین مصوب از سوی دولت، احکام ثابت دین هستند. قوانین متفرع بر قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران مثالی برای این دسته احکام است.

اندیشه مدون در اسلام و سایر اندیشه‌ها

- حال که تا حدی نقطه نظرات نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون در اسلام واضح شد، لازم است به برخی آرا و اندیشه‌ها که احتمال تلاقی و برخوردی با این نظریه دارند، اشاره کنیم و تفاوت آنها را با این نظریه مطرح نماییم.

اندیشه مدون در اسلام و سایر اندیشه‌ها

- ا. یکی از اندیشه‌های مطرح در دین، بحث دین حداقلی و دین حداکثری است. عده‌ای قایل به دین حداقلی هستند. مقصودشان این است که دین یک سری کلیاتی را بیان کرده و بقیه کارها را بر عهده‌ی مردم گذارده است تا این کلیات را تحقق بخشند. قایلین به دین حداقلی در این که دین حداقل چقدر است، با هم اختلاف دارند. برخی این حداقل را تا چهار، پنج هدف می‌شمارند و آحاد جامعه را موظف به دنبال کردن همین اهداف می‌دانند. اما برخی دیگر معتقدند دین این قدر هم حداقلی نیست بلکه در هر زمینه‌ای چند هدف را دنبال کرده است.

اندیشه مدون در اسلام و سایر اندیشه‌ها

- در مقابل این گروه، برخی دیدگاه حداکثری را پذیرفته‌اند. البته ظاهراً کسی چندان قایل به حداکثری به آن معنایی که ذکر شد، نیست. درست است در الفاظ مطرح کرده‌اند، اما مقصودشان همان نبوده است به هر حال بر عهده‌ی آنها چنین مطلبی را گذاشته‌اند.
- در این دیدگاه، عقیده بر این است که دین برای همه چیز زندگی بشر، خرد و کلان، در همه‌ی زمان-ها و مکان-ها، برنامه‌ی مشخصی دارد. و به تعبیر منتقدان این دیدگاه، بشر جایی برای فکر و تعقل ندارد، در هر چیزی و هر جایی، دین جواب-گوی پرسش‌ها است.

اندیشه مدون در اسلام و سایر اندیشه‌ها

- نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون در اسلام با نظریه‌ای متفاوت و مستقل نسبت به آن دو دیدگاه، نه به آن معنا حداقلی است نه به این معنا حداکثری.
- ما معتقدیم دین در هر زمینه‌ای از زمینه‌های حیات بشری، یک فلسفه، یک مکتب و یک نظام عرضه کرده است. اما هرگز عرضه‌ی فلسفه و مکتب و نظام به معنای الغای تفکر و خرد بشری نیست.

اندیشه مدون در اسلام و سایر اندیشه‌ها

- دین عقل را هم در کشف عناصر دینی پذیرفته است و هم در تطبیق دین در شرایط مختلف. عقل به عنوان حجت باطنی در کنار حجت ظاهر، به عنوان یکی از عوامل کشف دین مطرح است. و پس از کشف دین (کشف فلسفه، مکتب و نظام) در عینیت خارجی دین نیز، عقل اعتبار دارد و داده‌های عقلی مورد احترام است.

اندیشه مدون در اسلام و سایر اندیشه‌ها

- البته واضح است عقل با محدودیت‌های خودش، معتبر است. در هر جا عقل، حکم خاص به خودش را دارد. در جایی می‌تواند بفهمد، در جایی یقین دارد و در جایی ظن دارد.
- اعتبار عقل در هر یک از اینها با یکدیگر متفاوت است. به عبارت دیگر در شریعت نه عقل مطلقا مورد پذیرش است که همه-ی احکام آن درست باشد و نه مطلقا مردود است که تمامی احکامش به کناری گذارده شود.

اندیشه مدون در اسلام و سایر اندیشه‌ها

- ب. یکی دیگر از اندیشه‌هایی که در فلسفه‌ی دین مطرح می‌شود، بحث گوهر و صدف دین است. آنها که بحث گوهر و صدف دین را مطرح کرده‌اند، مقصودشان از گوهر، مفاهیمی بسیار بسیار کلی است که اهداف دین را تشکیل می‌دهد و تمامی بخش‌های عملی دین را، صدف می‌نامند.

اندیشه مدون در اسلام و سایر اندیشه‌ها

- مثلاً می‌گویند گوهر دین عبودیت است. این گوهر لازم نیست حتماً در نماز و روزه و حج تحقق یابد. اگر کسی به شکل دیگری می‌تواند به این گوهر دست یابد، لازم نیست از طریق این عبادات خاص دنبال تحقق گوهر دین باشد.
- به عبارت دیگر این اعمال، پوسته‌ای بیش نیستند، این گوهر است که اهمیت دارد. بدین ترتیب بحث گوهر و صدف، تمامی بحث‌های عملی دین را به سمت صدف (پوسته) می‌کشاند و مسلماً در پی آن هم لوازمی پدیدار می‌شود.

اندیشه مدون در اسلام و سایر اندیشه‌ها

- تمامی آنچه در نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون جزو عناصر ثابت می‌دانیم، از دیدگاه قایلان گوهر و صدف دین، صدف خواهد بود.
- مثلاً وقتی سخن از نظام اقتصادی اسلام است، این یک صدف است که گوهرش رسیدن انسان به یک فضای امن معرفتی و معیشتی است.
- البته همان طور که گفتیم گوهر در نظر آنها یک سری مفاهیم بسیار بسیار کلی است پس چه بسا همین را هم به عنوان گوهر قبول نداشته باشند.

اندیشه مدون در اسلام و سایر اندیشه‌ها

- بحث نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون در اسلام بحثی غیر از بحث گوهر و صدف دین است. اضافه بر این که اصلاً نظریه‌ی گوهر و صدف دین، سخن خطایی است.

اندیشه بدون در اسلام و سایر اندیشه‌ها

- ما موظف هستیم به آنچه دین دستور داده عمل کنیم. اعمال شرعی یقیناً برای هدفی قرار داده شده‌اند، اما معنایش این نیست که عمل رها شود و همه فقط به دنبال هدف بروند.
- کسی که به دنبال تقویت عبودیت است، حق ندارد به جای اعمال عبادی واجب، کار دیگری انجام دهد. به عبارت دقیق‌تر اصولاً تحقق آن اهداف بدون این اعمال ممکن نیست.

اندیشه مدون در اسلام و سایر اندیشه‌ها

- ج. نظریه‌ی منطقه‌ الفراع شهید صدر، یکی دیگر از بحث‌هایی است که در مقایسه با نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون در اسلام مطرح می‌کنیم.
- شهید معتقد است در تشریح و قانون گذاری، خداوند تا جایی قانون وضع کرده ولی جاهایی بدون قانون مانده است. خداوند در آنجا قانونی نگذاشته است.
- کلمه‌ی منطقه‌ الفراع در این اصطلاح یعنی جایی که خالی از قانون است. خداوند این منطقه را بر عهده‌ی ولی جامعه گذاشته تا در شرایط مختلف قانون گذاری نماید.

اندیشه مدون در اسلام و سایر اندیشه‌ها

- بر اساس نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون، منطقه‌ای که شارع هیچ قانونی در آنجا نداشته باشد، وجود ندارد. در این دیدگاه خداوند در همه‌ی زمینه‌ها قانون گذاری کرده است. این قوانین در تحقق عینی خودشان ممکن است تحت تأثیر شرایط مختلف به اشکال گوناگون دربیایند، اما هیچ گاه از عنوان قانون بودن خارج نمی‌شوند.

اندیشه مدون در اسلام و سایر اندیشه‌ها

- به عنوان نمونه، همان طور که قبلاً هم مثال زدیم، در دین اسلام مبادله و خرید و فروش فی حد نفسه جایز است. هر کسی می‌تواند از هر کشوری هر چیزی بخرد و در هر جایی که خواست بفروشد. اما در شرایط خاص در آن هنگام که کشور با مشکلاتی مواجه است، برای صادرات یا واردات محدودیت‌هایی قرار داده می‌شود. این محدودیت‌ها قوانینی است مربوط به شرایط خاص. این گونه نیست که خرید و فروش در اینجا قانون نداشته باشد و تشریح الهی آنجا را شامل نشود.